

علل لشکرکشی کریم خان زند به بصره

قاسم فتاحی

دبیر تاریخ - شهرکرد

کریم خان زند پس از سر و سامان دادن به نواحی جنوبی و غربی کشور در سال ۱۱۷۹ هـ. ق/ ۱۷۶۵ م وارد شیراز شد و دورهٔ دوّم سلطنت خویش را با اقامت ۱۴ ساله در این شهر که تا پایان عمر وی ادامه داشت، آغاز کرد؛ اگرچه او هنوز با دشواری‌هایی مواجه بود، چنان که مجبور شد با اعزام صادق خان، شورش نصیر خان لاری را سرکوب کند. خان زند مدتی بعد با شورش میرمهنا بن‌دریگی مواجه شد که «جزیرهٔ خارک» را از دست هلندی‌ها خارج ساخت و بر آن جا مسلط شده بود و با حملات دریایی خود، تجارت در خلیج فارس را مختل کرده بود. چون انگلیسی‌ها علی‌رغم وعدهٔ مساعدت، در این زمینه کمکی به کریم خان نکردند، او قوایی را برای سرکوب میرمهنا اعزام کرد و سرانجام با همکاری حکام بنادر جنوب و به‌عشایر سواحل خلیج فارس، میرمهنا شکست خورد و به بصره گریخت. سرانجام هم به دستور عمرپاشا، والی بغداد، به قتل رسید. خان زند هم‌چنین در پاییز سال ۱۱۸۰ هـ. ق/ ۱۷۶۶ م، زکی خان را مأمور تسخیر سواحل عمان و سرکوبی خوارج بندر مسقط کرد که موفق نشد [کلانتر، ۱۳۶۲: ۵۴؛ موسوی نامی اصفهانی، ۱۳۶۶: ۱۶۸-۱۶۱؛ پری، ۱۳۶۵: ۱۷۹-۱۷۲ و ۲۳۳-۲۲۶].

مهم‌ترین عملیات نظامی کریم خان در مرزهای خارجی در طول سه دهه فرمانروایی او، لشکرکشی به بندر بصره و تصرف این شهر بود. درباره علل بروز اختلاف میان کریم خان زند و اولیای دولت عثمانی که به لشکرکشی ایران به بصره انجامید، نظریات متفاوتی وجود دارد که به‌طور خلاصه می‌توان موارد زیر را برشمرد:

۱. انتقال تجارت خانهٔ انگلیسی‌ها از بوشهر به بصره که موجب رونق اقتصادی بصره و در مقابل، وارد آمدن زیان بسیار به تجارت خارجی ایران شد [فرامرزی، ۱۳۴۶: ۴۰؛ زرین کوب، ۱۳۷۵: ۱۲۸].

۲. سوءرفتار عمرپاشا، والی بغداد و تعدیات او به زائرین ایرانی و تصرف اموال آنان [موسوی نامی اصفهانی، ۱۳۶۶: ۱۸۰ و ۱۸۱؛ فرامرزی، ۱۳۴۶: ۴۰؛ شعبانی، ۱۳۷۷:



مقدمه

فتح بصره مهم‌ترین عملیات نظامی زمان کریم خان زند در خارج از ایران بود. در نوشتار حاضر به تشریح این عملیات پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: کریم خان زند، فتح بصره، روابط ایران و عثمانی

۱۵۰؛ پری، ۱۳۶۵: ۲۴۹ و ۲۵۰؛ نوایی، ۱۳۴۴: ۱۳۶ و ۱۳۷].

۳. برکناری **محمدپاشا**، سرحددار کردستان از سوی دولت عثمانی و بی‌توجهی عمرپاشا به توصیه‌های کریم‌خان برای ابقای وی [موسوی‌نامی اصفهانی، ۱۳۶۶: ۱۸۲؛ فرامرزی، ۱۳۴۶: ۴۲].

۴. مخالفت عمرپاشا، والی بغداد با درخواست کریم‌خان برای عبور سپاهیان ایران از بصره به منظور سرکوبی خوارج عمان [گلستانه، ۱۳۳۰: ۲۲۶ و ۲۲۷].

۵. اعتقاد مردم ایران به تشیع و آرزوی دیرینه آنان مبنی بر الحاق اماکن مقدسه و مقبره پیشوایان مذهبی به خاک ایران که در آن زمان در قلمرو و سلطه عثمانی قرار

داشتند [هدایتی، ۱۳۳۴، ج ۱: ۱۷۵].

۶. مشغول ساختن بخشی از نیروی نظامی کشور به جنگ در خارج از مرزها برای جلوگیری از خطرات احتمالی. زیرا قسمت عمده سپاهیان ایران را نیروهای نامنظم ایلیاتی و عشایری تشکیل می‌دادند که تابعیت آن‌ها فقط با پرداخت منظم مستمری و یا غارت تأمین می‌گردید و یا شاید کریم‌خان با این اقدامات می‌خواست سرجانبان قشون و متنفذین عشایر را به خارج از کشور بفرستد [پری، ۱۳۶۵: ۲۵۱؛ هدایتی، ۱۳۳۴: ۱۱۷؛ فرامرزی، ۱۳۴۶: ۴۵-۴۳].

میرزا محمد کلانتر، در روزنامه خویش، با انتقاد از لشکرکشی کریم‌خان به بصره می‌نویسد: «اولاً تسخیر بصره را

بدون جهت پیشنهاد خاطر ساخته، مبلغ‌ها ضرر به خود و از بابت عراق و فارس از تعیین ملازم و جزایری و تدارک قشون رسید و آن خود سهل است، تخمیناً به قدر ده دوازده هزار کشته شدند و مطلق فایده نداشت و بالاخره از حزن و اندوه و غم و غصه بصره جان خود را باخت [کلانتر، ۱۳۶۲: ۶۸].

در هر حال باتوجه به دلایلی که ذکر کردیم، کریم‌خان «تدمیر عمرپاشا و تسخیر اُم‌البلاد بصره و دارالسلام بغداد و سایر ولایات تابعه او را پیشنهاد همت والا فرمودند.» و چون از رفت و آمد سفرای نیز نتیجه‌ای حاصل نشد، خان زند سپاهی بزرگ را به فرماندهی برادرش **صادق‌خان** مأمور تصرف بصره کرد.



ارگ کریم‌خان، شیراز

سرانجام پس از ۱۳ ماه محاصره،

به علت کمبود آذوقه و عدم حمایت جدی

والی بغداد، سلیمان آقا، حاکم بصره، در ۲۸

ماه صفر سال ۱۱۹۰ خود را به صادق خان

تسلیم کرد و سپاه ایران

وارد شهر بصره شد

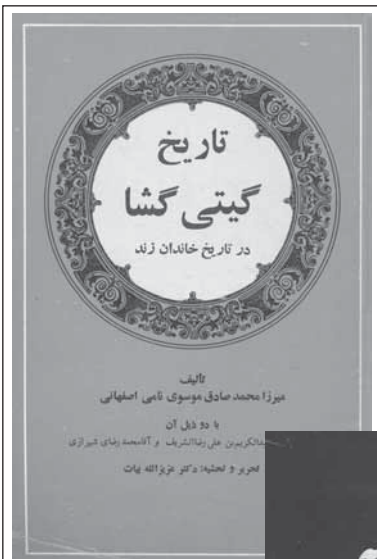
صادق خان در هشتم ذی القعدة سال ۱۱۸۸/دهم ژانویه ۱۷۷۵ با لشکریان خویش به سوی خوزستان شتافت و پس از عبور از شوشتر مستقیماً راهی هویزه شد و به منظور آماده کردن قایق و وسایل هجوم به بصره حدود یک ماه در آنجا توقف کرد.

سپس سپاه ایران در طول سواحل رودخانه هویزه به حرکت درآمد و در اواسط محرم سال ۱۱۸۹/۱۷۷۵م به کنار «اروند رود» رسید. چون عبور از رود بدون پل امکان نداشت، در حالی که توپخانه ارتش عثمانی مستقر در بصره و کشتی های انگلیسی، منطقه را زیر آتش سنگین خود گرفته بودند، به دستور صادق خان مقرر شد که با گذاشتن ردیفی از قایق های کوچک کنار هم و بستن آنها به یکدیگر با استفاده از زنجیر و انداختن لنگرهای هر یک از قایق ها از چپ و راست، پلی بسازند [غفاری کاشانی، ۱۳۶۹: ۳۲۷-۳۲۲؛ موسوی نامی اصفهانی، ۱۳۶۶: ۱۸۶-۱۸۴].

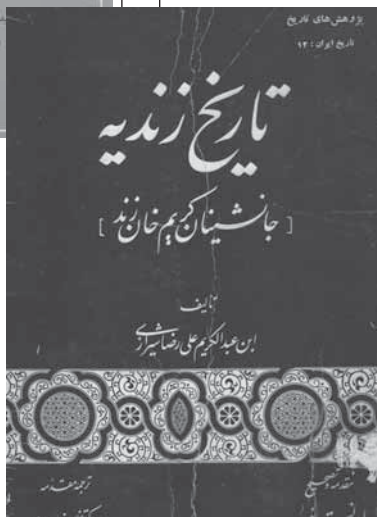
چون یک سر زنجیری که قایق های پلی را نگه داشته بود، در خاک ایران به میخ ها و ستون های بزرگ و محکم بسته شده بود، و سر دیگر آن باید در ساحل مقابل بسته می شد، نیاز به شناگران ماهر و با جرئتی نیاز بود تا با عبور از آب خروشان اروند، این اقدام را عملی کنند. در این جا بود که شجاعت بختیاری ها و مهارت های خاص آنان که لازمه زندگی کوچ روی آنها بود، به کار آمد. به گزارش منابع عصر زندیه، بختیاری ها نقش مهم و مؤثری در ساختن پل و عبور سپاه ایران از اروند رود و رسیدن به بصره داشتند. آنان با استفاده از مشک های پر از هوا و مهارت در شناگری، به آسانی از رود گذشتند و در آن سوی آب منتظر رسیدن مصالح لازم برای احداث پل شدند. پس از پایان عملیات احداث پل که حدود ۱۸



سرباز دوره زندیه



سال‌های ۱۷۹۹-۱۷۴۷ م.)
 ترجمه علی محمد ساکی.
 انتشارات فراز، تهران، ۱۳۶۵.
 ۴. فرامرزی، احمد، کریم‌خان
 زند و خلیج فارس، به کوشش
 حسن فرامرزی، انتشارات
 ابن‌سینا، تهران، ۱۳۴۶.
 ۵. زرین‌کوب، عبدالحسین.
 روزگاران دیگر (از صفویه تا
 عصر حاضر)، انتشارات سخن،
 تهران، ۱۳۷۵.
 ۶. شعبانی، رضا، تاریخ
 تحولات سیاسی- اجتماعی
 ایران در دوره‌های افشاریه و زندیه، سازمان مطالعه
 و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)،
 تهران، ۱۳۷۷.
 ۷. نوایی، عبدالحسین، کریم‌خان زند، انتشارات
 ابن‌سینا و فرانکلین، تهران، ۱۳۴۴.
 ۸. گلستانه، ابوالحسن بن محمد امین، مُجمل‌التواریخ
 پس از نادر، به اهتمام مدرس رضوی، تهران،
 چاپخانه شرکت طبع، تهران، ۱۳۳۰.
 ۹. هدایتی، هادی، تاریخ زندیه، (ج ۱)، انتشارات
 دانشگاه تهران، ۱۳۳۴.
 ۱۰. غفاری کاشانی، ابوالحسن، گلشن‌مراد (تاریخ
 زندیه)، به اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات
 زرین، تهران، ۱۳۶۹.
 ۱۱. ورهرام، غلامرضا، تاریخ سیاسی و اجتماعی
 ایران در عصر زند، انتشارات معین، تهران، ۱۳۶۶.
 ۱۲. سردار اسعد، علی‌قلی خان و لسان‌السلطنه
 سپهر، عبدالحسین، تاریخ بختیاری (خلاصه‌الاعصار
 فی تاریخ البختیار)، به اهتمام جمشید کیان‌فر،
 انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۷۶.
 ۱۳. نیکزاد امیرحسینی، کریم، شناخت سرزمین
 بختیاری، اصفهان، ناشر مؤلف (چاپخانه نشاط)،
 اصفهان، ۱۳۵۴.



(منتهج)، علی محمدخان و برادرش
مهدی‌خان به همراه جمعی از ایرانیان
 کشته شدند. کریم‌خان پس از اطلاع از
 این حوادث صادق خان را بار دیگر به
 بصره فرستاد. صادق خان شورشیان و
 عشایر نافرمان را سرکوب کرد و نظم
 و امنیت را در بصره برقرار ساخت. در
 همین حین خبر درگذشت کریم‌خان
 (۱۱۹۳ هـ. ق/ ۱۷۷۹ م) را دریافت کرد

و چون
 خود داعیه
 سلطنت در
 سر داشت،
 بصره را رها
 ساخت و
 روانه شیراز
 شد. پس از
 عزیمت وی،
 عثمانی‌ها
 با استفاده
 از فرصت
 و بدون
 زحمت آن‌جا

را تصرف کردند [موسوی‌نامی اصفهانی،
 ۱۳۶۶: ۲۲۰-۲۰۹؛ پری، ۱۳۶۵: ۲۸۷-
 ۲۸۲؛ فرامرزی، ۱۳۴۶: ۷۸-۷۵؛ شعبانی،
 ۱۳۷۷: ۱۵۴-۱۵۳؛ نوایی، ۱۳۴۴: ۱۵۴-
 ۱۵۰].

پی‌نوشت

۱. فرامرزی این عقیده را به کلی غیرموجه دانسته
 و می‌نویسد: «اگر احیاناً کریم‌خان چنین تقاضایی
 را کرده باشد، جز بهانه‌ای برای فرستادن قشون و
 تصرف بصره بدون جنگ و زحمت چیز دیگری
 نبوده است [فرامرزی، ۱۳۴۶: ۴۲].»

منابع

۱. کلاتر، میرزامحمد، روزنامه میرزا محمد کلاتر
 فارس، به تصحیح عباس اقبال، تهران، کتاب‌فروشی
 های سنایی و طهوری، تهران، ۱۳۶۲.
 ۲. موسوی‌نامی اصفهانی، میرزامحمدصادق، تاریخ
 گیتی‌گشا، به اهتمام سعید نفیسی، اقبال، تهران، چ
 سوم، ۱۳۶۶.
 ۳. پری، جان، کریم‌خان زند (تاریخ ایران بین

روز طول کشید [غفاری کاشانی، ۱۳۶۹:
 ۳۲۷؛ موسوی‌نامی اصفهانی، ۱۳۶۶: ۱۸۷؛
 پری، ۱۳۶۵: ۲۵۴؛ فرامرزی، ۱۳۴۶: ۵۳؛
 شعبانی، ۱۳۷۷: ۱۵۲؛ ورهرام، ۱۳۶۶: ۷۳؛
 نوایی، ۱۳۴۴: ۱۴۰-۱۳۹؛ سرداراسعد،
 ۱۳۷۶: ۴۰۴؛ نیکزاد امیرحسینی، ۱۳۵۴:
 ۱۲۰-۱۱۹]، سپاه ایران روز ششم ماه
 صفر سال ۱۷۷۵/۱۱۸۹ م با عبور از
 اروندرود، بندر بصره را به محاصره خود
 درآورد. سپاهیان ایران که با مقاومت
 سرسختانه نیروهای عثمانی و اهالی بصره
 مواجه شده بودند، با توپ‌های قلعه کوب
 شهر را زیر آتش سنگین خود گرفتند،
 اما نتیجه‌ای حاصل نشد؛ چرا که ساکنین
 شهر شبانه دیوارهای ویران شده را
 بازسازی می‌کردند. صادق‌خان با مشاهده
 این وضع تصمیم گرفت تا از طریق
 محاصره طولانی، اهالی بصره را در تنگنا
 قرار دهد و مجبور به تسلیم کند. بنابراین
 همه راه‌های زمینی و دریایی منتهی به
 بصره را مسدود کرد. سرانجام پس از
 ۱۳ ماه محاصره، به علت کمبود آذوقه و
 عدم حمایت جدی والی بغداد، **سلیمان
 آقا**، حاکم بصره، در ۲۸ ماه صفر سال
 ۱۱۹۰/۱ آوریل ۱۷۷۶ خود را به صادق‌خان
 تسلیم کرد و سپاه ایران واردشهر بصره
 شد [موسوی‌نامی اصفهانی، ۱۳۶۶:
 ۲۰۹-۱۸۷؛ غفاری، ۱۳۶۹: ۳۵۰-۳۲۷؛
 گلستانه، ۱۳۳۰: ۲۷۸-۲۷۷؛ پری، ۱۳۶۵:
 ۲۶۵-۲۵۴؛ فرامرزی، ۱۳۴۶: ۲۵۷-۲۵۴؛
 هدایتی، ۱۳۳۴: ۱۹۲-۱۸۰].

چهار ماه پس از فتح بصره به دستور
کریم‌خان، علی محمدخان زند به
 حکومت بصره منصوب و صادق‌خان به
 همراه بزرگان بصره به شیراز بازگشت.
 علی محمدخان که جوانی بسیار دلیر
 ولی خام و مغرور بود، شروع به آزار و
 اذیت اهالی بصره و ضبط و غارت اموال
 آنان کرد. این اقدامات خشم اهالی را
 برانگیخت و بر اثر شورش اعراب متفق